

**Pathology of the Islamic Republic of Iran's Interaction with Shia Parties in Iraq
from 2003 to 2021: A Constructivist Approach with Emphasis on Iran-Saudi Arabia
Rivalry**Mohammad Bagher Hakim¹  | Garineh Keshishian Sirki²  | Mohammadreza Ghaedi³ 

Received Date: 2025/02/05

Accept Date: 2025/03/02

 10.27834/CSIW.2410.1463.1.36.2**Abstract**

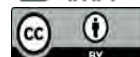
*T*his research examines the interaction between the Islamic Republic of Iran and the Iraqi Shia parties in the period from 2003 to 2021 and analyzes the role of these interactions in the formation and strengthening of the Shiite identity in Iraq with a constructivist approach. During this period, Iran has tried to counter the influence of other powers, especially Saudi Arabia, while consolidating its influence by providing military, economic, and ideological support to Iraqi Shiite parties to limit Iran's influence and change the balance of power in its favor. This competition between Iran and Saudi Arabia has led to the deepening of religious divisions in Iraq and divergence among the Shia parties, which itself has caused challenges in the political and security stability of Iraq. The research results show that Iran's interactions with Shiite parties have helped to strengthen religious identity and increase convergence between Iran and Iraq. But at the same time, the rivalry between Iran and Saudi Arabia has caused the spread of sectarian tensions and negative effects on the internal unity of Iraq.

Keywords: Shia parties, divergence, religious identity, constructivist approach, regional interactions

¹. PhD Student, Department of International Relations, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran. bagherhakim892@gmail.com

². Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. g.keshishyan71@gmail.com

³. Associate Professor, Department of Political Science, Shi. C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. ghaedi1352@gmail.com





آسیب‌شناسی تعامل جمهوری اسلامی ایران با احزاب شیعه در عراق در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۴: رویکردی سازه‌انگارانه با تأکید بر رقابت ایران و عربستان

محمد باقر حکیم^۱ | گارینه کشیشیان سیرکی^۲ | محمدرضا قانیدی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

doi:10.27834/CSIW.2501.1500.1.36.3

چکیده

این پژوهش به بررسی تعاملات جمهوری اسلامی ایران با احزاب شیعه عراق در بازه زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۱ می‌پردازد و با رویکردی سازه‌انگارانه، نقش این تعاملات در شکل‌گیری و تقویت هویت شیعی در عراق را تحلیل می‌کند. در این مدت، ایران با حمایت نظامی، اقتصادی و ایدئولوژیک از احزاب شیعه عراق، تلاش داشته تا ضمن تثبیت نفوذ خود به مقابله با نفوذ سایر قدرت‌ها، به ویژه عربستان سعودی بپردازد. در مقابل، عربستان با تأکید بر هویت سنی و حمایت از گروه‌های معارض و گاه افراطی به ویژه پیش از سال ۲۰۱۸، سعی کرده است تا نفوذ ایران را محدود کرده و توازن قوا را به نفع خود تغییر دهد. این رقابت میان ایران و عربستان به تعمیق شکاف‌های مذهبی در عراق و واگرایی در میان احزاب شیعه منجر شده که خود موجب ایجاد چالش‌هایی در ثبات سیاسی و امنیتی عراق شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تعاملات ایران با احزاب شیعه به تقویت هویت مذهبی و افزایش همگرایی میان ایران و عراق کمک کرده، اما در عین حال رقابت ایران و عربستان در این بستر باعث گسترش تنش‌های فرقه‌ای و تأثیرات منفی بر وحدت داخلی عراق شده است. این پژوهش با ارائه چارچوبی تحلیلی از رویکرد سازه‌انگارانه، ابعاد و پیامدهای این رقابت را به‌طور جامع ارزیابی می‌کند و راهکارهایی برای بهبود تعاملات منطقه‌ای پیشنهاد می‌دهد.

واژگان کلیدی: احزاب شیعه، واگرایی، هویت مذهبی، رویکرد سازه‌انگارانه، تعاملات منطقه‌ای

^۱ دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

bagherhakim892@gmail.com

^۲ دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده

مستول) g.keshishyan71@gmail.com

^۳ دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. ghaedi1352@gmail.com



استناد: حکیم، محمد باقر؛ کشیشیان سیرکی، گارینه و قانیدی، محمدرضا. (۱۴۰۴). آسیب‌شناسی تعامل جمهوری اسلامی ایران با احزاب شیعه در

عراق در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۱: رویکردی سازه‌انگارانه با تأکید بر رقابت ایران و عربستان. *بحران پژوهی جهان اسلام*، ۱۱(۱)، ۵۴-۸۲.

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License) در دسترس شما قرار گرفته است. برای اطلاع از جزئیات به آدرس <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/legalcode.en> مراجعه نمایید.

مقدمه

تحولات سیاسی و اجتماعی عراق پس از سقوط رژیم بعث به رهبری صدام حسین در سال ۲۰۰۳، نه تنها نقطه عطفی در تاریخ این کشور محسوب می‌شود، بلکه آغازگر دوره‌ای نوین در عرصه سیاسی و اجتماعی عراق بوده که به طور قابل توجهی ساختار قدرت، هویت‌های سیاسی و دینامیک‌های داخلی و خارجی این کشور را دگرگون کرد. این تغییرات به ویژه در نحوه حکمرانی و توزیع قدرت سیاسی در عراق اثرات عمیقی داشت و هم‌زمان با بروز رقابت‌های پیچیده منطقه‌ای، زمینه‌ساز حضور بازیگران مختلف در این میدان شد. به طور خاص، شیعیان عراق که در دوران حکومت صدام حسین به دلیل سرکوب‌های شدید و تبعیض‌های سیاسی و اجتماعی حاشیه‌نشین شده بودند، پس از سقوط رژیم بعث و در پی شکل‌گیری دولت جدید، به یکی از ارکان اصلی سیاست در عراق تبدیل شدند.

این تغییر وضعیت در عراق به معنای تحولاتی اساسی در معادلات داخلی و همچنین در روابط منطقه‌ای کشور بود. هم‌زمان با تحولات داخلی، حضور بازیگران خارجی و رقابت‌های منطقه‌ای شدت گرفت. جمهوری اسلامی ایران با توجه به اشتراکات مذهبی، تاریخی و پیوندهای ژئوپلیتیکی که با عراق و به ویژه با جامعه شیعه این کشور دارد، در موقعیت ویژه‌ای قرار گرفت تا بتواند در فرآیندهای سیاسی و امنیتی عراق تأثیرگذار باشد. ایران پس از سال ۲۰۰۳ از طریق ارائه حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی به احزاب شیعه، نقش مهمی در تحولات سیاسی عراق ایفا کرد. این حمایت‌ها نه تنها به تثبیت موقعیت شیعیان در عرصه سیاسی عراق کمک کرد، بلکه موجب تقویت روابط هویتی و ایدئولوژیک میان ایران و عراق شد و به یک نوع همگرایی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی میان دو کشور منجر گردید.

در همین حال، رقابت‌های منطقه‌ای در عراق با نقش آفرینی عربستان سعودی پیچیدگی بیشتری پیدا کرد. عربستان سعودی به‌عنوان یکی از رقبای مهم منطقه‌ای ایران، پس از سقوط رژیم صدام تلاش‌هایی گسترده برای محدود کردن نفوذ ایران در عراق آغاز کرد. این کشور از طریق برقراری روابط با گروه‌های سنی عراق و حتی برخی جناح‌های شیعه که از سیاست‌های ایران فاصله داشتند، در تلاش بود تا موازنه‌ای در برابر نفوذ تهران در این کشور برقرار کند. سیاست‌های عربستان در عراق بیشتر معطوف به ایجاد یک توازن قدرت در برابر جمهوری اسلامی ایران و تقویت نفوذ خود در میان گروه‌های سنی و بخش‌هایی از شیعیان بود که با نفوذ ایران در عراق مخالفت داشتند. در این راستا، رقابت ایران و عربستان سعودی در عراق نه تنها بر تحولات سیاسی این کشور تأثیر گذاشت، بلکه در بسیاری از موارد به تعمیق شکاف‌ها و واگرایی‌های درونی در میان احزاب شیعه و ایجاد کشمکش‌های داخلی بین گروه‌های مختلف منجر شد.

رقابت ایران و عربستان در عراق در این دوره همچنین موجب شد که عراق به میدان رقابتی برای نفوذ منطقه‌ای تبدیل شود؛ به ویژه که این رقابت‌ها نه تنها بعد سیاسی، بلکه ابعاد امنیتی، اجتماعی و فرهنگی نیز پیدا کرد. این رقابت‌ها در برخی مواقع به بحران‌های داخلی در عراق دامن زد و بر وحدت ملی و انسجام داخلی این کشور تأثیر منفی گذاشت. میان گروه‌های شیعه، اختلاف نظرها در خصوص نحوه برخورد با ایران و عربستان، گاه منجر به ایجاد شکاف‌های سیاسی و ایدئولوژیک جدی شد که می‌توان آن را از جمله مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی سیاست عراق در این دوره دانست.

با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر به دنبال بررسی دقیق‌تر تأثیر تعاملات جمهوری اسلامی ایران با احزاب شیعه عراق و نیز رقابت این کشور با عربستان سعودی در تحولات سیاسی عراق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۴ است. در این راستا، چارچوب نظری این پژوهش بر اساس نظریه سازه‌انگاری استوار است که بر تأثیر هویت‌ها، هنجارها و ساختارهای معنایی در روابط بین‌الملل تأکید دارد. این نظریه می‌تواند به تحلیل چگونگی شکل‌گیری هویت‌های سیاسی شیعیان عراق و میزان هم‌گرایی یا واگرایی آنان در برابر سایر بازیگران منطقه‌ای کمک کند و نشان دهد که چگونه تعاملات ایران توانسته است بر شکل‌گیری و تحول هویت سیاسی این گروه‌ها تأثیر بگذارد.

روش‌شناسی این پژوهش ترکیبی از داده‌های کمی و کیفی است که شامل تحلیل پرسشنامه‌ها، مصاحبه با نخبگان سیاسی ایرانی و عراقی و همچنین بررسی اسناد و منابع مختلف مرتبط با موضوع می‌شود. این ترکیب روش‌ها به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که هم ابعاد کمی و هم کیفی تعاملات ایران و عربستان در عراق را بررسی کرده و ارتباطات و تأثیرات مختلف را به‌طور جامع تحلیل کند. جامعه آماری تماماً از افرادی استفاده شده که مسئولیتی در عراق و ایران داشته باشند. این افراد یا در گذشته درگیر در امور اجرایی بوده‌اند یا در حال حاضر مسئولیتی در عراق و ایران دارند. براین اساس به ۵۷ نفر از مسئولین گذشته و حال عراق و ایران، پرسشنامه الکترونیک متشکل از ۲۱ سوال (به دو زبان عربی و فارسی) ارسال شد که شامل ۱۳ مسئول ایرانی و ۴۴ مسئول عراقی بودند؛ به عبارتی ۲۲,۰۸ درصد از پاسخ دهندگان ایرانی و ۷۷,۰۲ درصد از آن‌ها عراقی بودند. دلیل اینکه پاسخ دهندگان عراقی از پاسخ دهندگان ایرانی بیشتر هستند این است که ما بیشتر به دنبال نظر و موضع عراقی‌ها در خصوص آسیب‌های سیاست جمهوری اسلامی ایران در عراق بوده‌ایم و از آنجا که نمونه آماری در عراق بیشتر بود؛ تعداد پاسخ دهندگان عراقی در پژوهش بیشتر شد. برخی از مسئولین مخاطب پرسشنامه عبارتند از: رایزن فرهنگی سابق و اسبق ایران در عراق، رایزن فرهنگی عراق در ایران، مسئول بخش روابط عمومی الحشد الشعبی، ارسال نمونه‌ها

به مسئولان سیاسی و فرهنگی ایرانی که سال‌ها درگیر پرونده عراق می‌باشند، ۱۰ دیپلمات سیاسی عراقی، ۴ نفر از مسئولان در عتبه حسینی و عباسیه، ۴ نفر از مدیران دانشکده در حوزه حقوق و علوم سیاسی. تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از اکسل صورت پذیرفته است. نتایج این پژوهش می‌تواند در زمینه تحلیل تأثیرات ایران بر انسجام سیاسی شیعیان عراق و تحلیل سیاست‌های منطقه‌ای ایران به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در تحولات عراق، کمک‌های شایانی داشته باشد. این پژوهش همچنین می‌تواند چشم‌اندازی جدید برای سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای ایران ارائه دهد و به تحلیل استراتژی‌های مؤثرتر در قبال رقابت‌های منطقه‌ای و همچنین تقویت نقش ایران در تحولات سیاسی عراق منجر شود.

۱- پیشینه تحقیق

با توجه به جدید بودن موضوع، منابع چندانی تاکنون نگاشته نشده است، اما می‌توان به اهم موارد زیر اشاره داشت:

الشهرستانی، م. (۲۰۱۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «التنافس الإيراني-السعودی فی العراق بعد سقوط نظام صدام»، به تحلیل رقابت ایران و عربستان در عراق پس از سرنگونی رژیم صدام پرداخته و تأثیرات این رقابت بر اوضاع سیاسی و امنیتی عراق را بررسی می‌کند. المالکی، ع. (۲۰۱۵) در کتاب «الشیعة والسنة فی العراق: دراسة مقارنة للتأثیر الإقليمي» (بغداد: دار الجواهری) به بررسی تأثیرات رقابت‌های منطقه‌ای بر شیعیان و سنی‌ها در عراق پرداخته است. خصوصاً این کتاب به رقابت ایران و عربستان و چگونگی تأثیر آن بر هویت‌های شیعی و سنی در عراق می‌پردازد.

الهاشمی، م. (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «الدور الإيراني فی بناء التحالفات السياسية فی العراق»، به تحلیل نقش ایران در ایجاد ائتلاف‌های سیاسی در عراق به ویژه در میان احزاب شیعه، پرداخته است و نقش عربستان در مقابله با این ائتلاف‌ها را بررسی می‌کند.

لصباحی، ع. (۲۰۱۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «النفوذ الإيراني فی العراق وتداعياته علی المنطقة»، به بررسی نفوذ ایران در عراق و پیامدهای منطقه‌ای آن پرداخته و رقابت‌های ایران و عربستان را از منظر مذهبی و هویتی تحلیل می‌کند.

در مقایسه با این منابع، هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها به‌طور خاص به نقش سازمان ملل متحد در حل مناقشه‌ها و رقابت‌ها میان ایران و عربستان در عراق نپرداخته‌اند. بنابراین، تحقیق حاضر می‌تواند در راستای تحلیل دقیق‌تر و نوآورانه‌تر این موضوعات به خصوص در زمینه تعاملات سازمان ملل و تأثیر آن بر تحولات سیاسی و امنیتی عراق به کار آید. پژوهش حاضر با توجه به بررسی‌های اندک صورت گرفته در این حوزه در زمینه تعاملات بین‌المللی و نقش نهادهای جهانی مانند سازمان ملل

به بررسی مؤلفه‌های جدیدی پرداخته و نوآوری‌هایی در تحلیل رقابت‌های ایران و عربستان و تأثیر آن بر عراق دارد.

۲- چارچوب نظری: نظریه سازه‌انگاری^۱

سازه‌انگاری از جمله نظریات دارای هستی‌شناسی ضد ماتریالیستی است که با رویکردی انتقادی معتقد است رویکردهای خردگرا به دلیل کم‌توجهی به عنصر فرهنگ و مجموع انگاره‌ها در تحلیل مسائل پیرامون دچار نقصان می‌باشند و برای تفسیری جامع از عرصه بین‌الملل باید انگاره‌ها، قواعد هنجارها و فرهنگ را نیز دخیل دانست (Lupovici, 2009: 18). از دیدگاه سازه‌انگاران، نظام بین‌الملل بیش از توزیع توانمندی‌های مادی، متشکل از توزیع انگاره‌ها است و اولویت در مناظره ماده و معنا، متعلق به انگاره‌ها و اندیشه‌ها است. بُعد هستی‌شناختی که از جمله گزاره‌های مهم فرانظری سازه‌انگاری است، شامل سه گزاره مهم و بنیادین می‌باشد:

۱- ساختارهای فکری به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند.

۲- گزاره هویت‌ها هستند که به منافع و کنش‌ها شکل می‌دهند.

۳- کارگزاران و ساختارها متقابلاً به یکدیگر شکل می‌دهند.

به طور کلی تئوری سازه‌انگاری بر اساس نوع سطح تحلیلی به سه دسته تقسیم می‌شود: «سازه‌انگاری سیستمی»، «سازه‌انگاری داخلی»، «سازه‌انگاری کلی‌گرا». سازه‌انگاری سیستمی^۲ همچون تئوری نئورئالیسم، یک تحلیل سیستمیک از تحولات روابط بین‌الملل ارائه می‌دهد؛ با این تفاوت که سازه‌انگاری عمدتاً بر ساختارهای هنجاری محیط بین‌المللی متمرکز است و ساختارهای هنجاری داخلی را نادیده می‌گیرد. الکساندر ونت مهم‌ترین نظریه‌پرداز سازه‌انگاری سیستمی، دو هویت برای دولت‌ها قائل است: هویت اجتماعی^۳ و هویت جمعی^۴. هویت جمعی به ویژگی‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی مادی و انسانی داخلی دولت‌ها بر می‌گردد و ماهیت داخلی آن‌ها را روشن می‌کند. هویت اجتماعی اشاره به مفهومی دارد که یک بازیگر در روابط بین‌الملل از خود و دیگران ارائه می‌دهد. به نظر ونت، سیاست بین‌الملل نتیجه هویت اجتماعی است (Wendt, 1994: 385).

سازه‌انگاری داخلی^۵ برخلاف سازه‌انگاری سیستمی، صرفاً بر روابط بین‌المللی و ساختارهای معنایی داخلی متمرکز است. این شاخه از سازه‌انگاری بر تغییرات هنجاری داخلی در «خود» و

^۱- Constructivism

^۲- systemic constructivism

^۳- social identity

^۴- corporate identity

^۵- Domestic constructivism

«دیگری» و تأثیر این تغییرات در همکاری با رقابت بین بازیگران تأکید دارد. بر اساس این رهیافت، فرآیندهای اجتماعی داخلی به منزله مهم‌ترین منبع هویت‌ساز، می‌توانند منافع دولت‌ها را مستقل از نوع تعاملات آن‌ها در سطح بین‌المللی تعیین کنند. سازه‌انگاری کلی گرا، دوگانگی بین ساختارهای داخلی و سیستمی را به چالش می‌کشد و بر سازه‌های هنجاری در دو سطح ملی و بین‌المللی تأکید کرده و تلاش می‌کند تا با تلفیق بین دو سطح تحلیل ملی و بین‌المللی، تحلیل جامعی از عناصر تأثیرگذار بر هویت و منافع دولت‌ها ارائه دهد (Mohammad Nia, 2014: 69-70).

در نظریه سازه‌انگاری، منافع از چگونگی روابط بین کشورها حاصل می‌شود و روابط دولت‌ها بر اساس نوع معنایی است که آن‌ها برای یکدیگر قائل هستند. هویت نیز یک امر رابطه‌ای است که به معنای درک از خود و انتظارات از دیگران است. سازه‌انگاران معتقدند که هیچ هنجاری از پیش تعیین شده وجود ندارد، بلکه قواعد و هنجارها در پی تعاملات اجتماعی به وجود می‌آیند.

(Mujtahid Zanjirabad, Eyvazi, 2018: 182)

در واقع، سازه‌انگاری در برابر نظریه مادیت‌گرایی جریان غالب روابط بین‌الملل شکل گرفت. سازه‌انگاری با رد برداشت‌های خردگرایانه نئورئالیسم و نئولیبرالیسم، تلاش کرده است دیدگاهی منطقی-اجتماعی به سیاست‌های جهانی ارائه دهد که بر اهمیت ساختارهای هنجاری، مادی و نقش هویت در ساخت منافع، کنش‌ها و تکوین متقابل ساختار و کارگزار تأکید می‌کند (Asgarkhani and Mansouri Moghadam, 2010:195).

سازه‌انگاری یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌ها در عرصه سیاست بین‌الملل و رفتار خارجی دولت‌ها از دهه ۱۹۹۰ به بعد بوده است (Wendt, 1999). این نظریه سعی کرده است فضایی فکری برای افرادی که به دنبال توضیح ویژگی‌های هنجاری رفتار دولت‌ها هستند، ایجاد کند. نظریه‌پردازان سازه‌انگاری معتقدند که منافع کشورها نتیجه نوع هویت آن‌هاست و تأکید دارند که نوع هویت‌هاست که اولویت‌های سیاست خارجی دولت‌ها را تعیین می‌کند. هویت‌ها نقش ملی ویژه‌ای دارند و رفتار متناسبی را برای کشورها در تعامل با دیگران تجویز می‌کنند. یکی از زمینه‌های اصلی تقابل گفتمانی بین سازه‌انگاری و نظریه‌های خردگرا مربوط به منطق رفتاری کشورها در نظام بین‌الملل است. نظریه‌های خردگرا به «منطق نتیجه‌گرایی»^۱ در رفتار کشورها با دیگران اعتقاد دارند؛ در حالی که سازه‌انگاری «منطق تناسب‌گرایی»^۲ را اساس رفتار کشورها می‌دانند. در این رویکرد، روابط کشورها با یکدیگر نه بر اساس منطق نتیجه و سود و زیان، بلکه بر اساس نوع هویت و جایگاهی که هر کشور در نظام بین‌الملل برای خود تعریف کرده، شکل

^۱ - Logic of Consequentialism

^۲ - Logic of Appropriateness

می‌گیرد. به عبارت دیگر، بازیگران از قوانینی پیروی می‌کنند که نشان‌گر نوع هویت و جایگاه ویژه آن‌ها در نظام بین‌الملل است (Mohammad Nia, 2014: 69-70).

در حقیقت، همچنان که سریع القلم معتقد است رفتارهای خارجی جمهوری اسلامی ایران ناشی از لایه‌ها و پیچیدگی‌هایی است که در درون آن وجود دارد؛ فهم این پیچیدگی‌ها در گرو درک معقولی از فعل و انفعالات و زیربناها و نظام ارزشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی است (Sari al-Qalam, 2000: 47).

۳- تحلیل سازه‌انگارانه تعامل جمهوری اسلامی ایران با احزاب شیعه در عراق

نظریه سازه‌انگاری در تحلیل روابط بین‌الملل بر اهمیت هویت‌ها، هنجارها و ساختارهای معنایی تأکید می‌کند که در نتیجه تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرند. برخلاف نظریه‌های واقع‌گرایانه که به قدرت و منافع مادی به‌عنوان اصول اصلی سیاست خارجی نگاه می‌کنند، سازه‌انگاری بر هویت‌ها و هنجارهایی تأکید دارد که به منافع و رفتار کشورها جهت می‌دهند (Wendt, 1992). در مورد تعاملات ایران و احزاب شیعه عراق، این نظریه به ما کمک می‌کند تا تأثیرات فرهنگی، مذهبی و هویتی را که جمهوری اسلامی ایران در عراق برجای گذاشته است، درک کنیم.

در سطح بین‌المللی، ایران و عربستان به‌عنوان دو بازیگر کلیدی با هویت‌های متفاوت مذهبی و سیاسی در حال رقابت برای نفوذ در عراق هستند. این رقابت از دیدگاه سازه‌انگاری ناشی از اختلافات هویتی و ایدئولوژیک میان دو کشور است. هویت انقلابی-شیعی ایران و هویت سنی-وهابی عربستان به‌عنوان دال‌های مرکزی (Nodal Points) در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران و عربستان، تعیین‌کننده تعاملات و رقابت‌های میان آن‌ها در منطقه، به ویژه در عراق هستند (Torfin, 1999).

در سطح داخلی، ایران با پشتیبانی از احزاب شیعه عراق و تأکید بر همگرایی هویتی، سعی دارد تا با تقویت نقش شیعیان، نفوذ خود را در این کشور افزایش دهد. از سوی دیگر، عربستان با ترویج هنجارهای ضدشیعی و تلاش برای تعامل با گروه‌های مخالف ایران، در پی کاهش نفوذ ایران و ایجاد اتحادهای جدید است.

هویت انقلابی-شیعی جمهوری اسلامی ایران یکی از عوامل کلیدی است که باعث جذب احزاب شیعه در عراق و ایجاد همگرایی سیاسی و مذهبی میان این گروه‌ها شده است. از دیدگاه سازه‌انگاری، این هویت به‌عنوان یک دال مرکزی (Nodal Point) در سیاست خارجی ایران عمل

می‌کند و بسیاری از دال‌های فرعی مانند «مقاومت»، «استقلال» و «عدالت‌طلبی» پیرامون آن شکل گرفته‌اند (Torfing, 1999). این دال‌ها نقش مهمی در جلب حمایت و همگرایی احزاب شیعه عراقی ایفا می‌کنند که خود را در مقابله با تهدیدات مشترکی نظیر سیاست‌های سرکوب‌گرایانه رژیم بعث و نفوذ غربی می‌بینند (Nasr, 2006).

تعامل ایران با احزاب شیعه عراق، بر مبنای این هویت انقلابی- شیعی به‌طور خاص از طریق ارائه حمایت‌های مالی، نظامی و سیاسی شکل گرفته است. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که این حمایت‌ها توانسته‌اند جایگاه احزاب شیعه را در ساختار سیاسی عراق مستحکم کنند و در مقابله با رقابتی داخلی و خارجی به آن‌ها یاری رسانند. این نوع حمایت‌ها در چارچوب سازهانگاری به‌عنوان سازه‌های معنایی عمل می‌کنند که به احزاب شیعه عراق هویتی همسو با جمهوری اسلامی می‌بخشند و نقش آن‌ها را در نظم سیاسی عراق تقویت می‌کنند (Al-Maashiry, 2018).

اما از سوی دیگر، رقابت ایران و عربستان به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای، یک رقابت هویتی نیز محسوب می‌شود. عربستان به‌عنوان نماینده هویت سنی- وهابی، تلاش می‌کند تا نفوذ ایران را در عراق محدود ساخته و هنجارهای متفاوتی را ترویج کند که با هویت شیعی انقلابی ایران متضاد است. عربستان با ایجاد روابط با برخی از گروه‌های سنی و حتی شیعه‌های مخالف ایران در عراق، سعی دارد از هویت سنی و نوعی «عربیت» در مقابل هویت انقلابی- شیعی ایران استفاده کند و در جهت‌دهی به سیاست داخلی عراق و تضعیف موقعیت احزاب شیعه هم‌پیمان ایران تأثیر بگذارد (Mabon, 2013). در چارچوب سازهانگاری، این رقابت هویتی میان ایران و عربستان نقش مهمی در تشدید شکاف‌ها و افزایش واگرایی میان احزاب شیعه عراق دارد (Matthiesen, 2014).

داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های ایران در برخی موارد به تشدید رقابت‌های داخلی میان احزاب شیعه انجامیده است. این اختلافات می‌توانند ناشی از حمایت‌های نامتقارن ایران از برخی گروه‌های شیعه و عدم توجه به تنوع سیاسی و هنجاری در میان شیعیان عراق باشد. سازهانگاری تأکید می‌کند که هویت‌ها بر اساس تعاملات اجتماعی و پیوستگی‌های معنایی شکل می‌گیرند و هرگونه نادیده‌گیری این پیوستگی‌ها می‌تواند منجر به واگرایی و شکاف‌های درونی شود (Hopf, 1998).

در نهایت می‌توان گفت که سیاست خارجی ایران در عراق به دلیل ماهیت هویتی- انقلابی آن، هم در جهت تقویت و هم در راستای ایجاد شکاف در میان احزاب شیعه عمل کرده است. این سیاست‌ها به شکل‌گیری هویت مشترک و مقاومت در برابر عربستان و آمریکا کمک کرده‌اند؛ اما در عین حال، رقابت‌های داخلی میان احزاب شیعه را نیز تشدید ساخته‌اند. پیشنهاد می‌شود که ایران برای حفظ همگرایی، سیاست‌های خود را با توجه به نیازهای متنوع گروه‌های شیعه عراق تعدیل

کند و به تعاملات فرهنگی و هویتی با این گروه‌ها توجه بیشتری داشته باشد. رقابت ایران و عربستان در عراق، خصوصاً پس از سرنگونی رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های رقابت‌های ژئوپلیتیک در خاورمیانه به شمار می‌رود. این رقابت هم بر اساس تفاوت‌های مذهبی و هویتی میان دو کشور شکل گرفته و هم بر محورهای امنیتی و استراتژیک در منطقه متمرکز است. ایران با استفاده از قدرت نرم و حمایت از احزاب شیعه و حکومت مرکزی شیعه در عراق، سعی کرده تا نفوذ خود را در این کشور تحکیم کند. در مقابل، عربستان سعودی تا قبل از سال ۲۰۱۸ با حمایت از گروه‌های تروریستی و مخالفان حکومت مرکزی عراق تلاش داشته تا نفوذ ایران را محدود سازد و جایگاه خود را در عراق تثبیت کند.

۴- حمایت ایران از احزاب شیعه و حکومت مرکزی عراق

ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعه‌نشین و مرکز اصلی تشیع، از زمان سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳، نقش فعالی در عراق ایفا کرده است. با حضور اکثریت شیعه در عراق، ایران سعی کرده است تا با حمایت از احزاب و نیروهای شیعه عراق، همگرایی بیشتری بین این کشور و عراق ایجاد کند. از جمله احزابی که مورد حمایت ایران قرار دارند می‌توان به «حزب الدعوه اسلامی»، «شورای عالی اسلامی عراق» و «ائتلاف فتح» اشاره کرد که در دوران پس از سقوط صدام در شکل‌دهی به سیاست عراق و استقرار حکومت مرکزی شیعه‌محور نقشی کلیدی داشته‌اند.

ایران با «حمایت‌های مالی، نظامی و سیاسی» به احزاب شیعه عراق کمک کرده است تا موقعیت خود را در ساختار سیاسی عراق تثبیت کنند. سپاه قدس، شاخه برون‌مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نقش مهمی در تأمین و سازماندهی این حمایت‌ها داشته است. این حمایت‌ها نه تنها برای تقویت جایگاه احزاب شیعه بلکه برای مقابله با گروه‌های سنی و معارضان مسلحی صورت گرفته که تهدیدی جدی برای حاکمیت دولت مرکزی عراق به شمار می‌رفته‌اند (Nasr, 2006).

۵- جایگاه حشد الشعبی و نقش آن در تأمین امنیت عراق

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که ایران در حمایت از دولت عراق انجام داد، تأسیس و حمایت از «نیروهای حشد الشعبی» بود. حشد الشعبی، که از نیروهای شبه‌نظامی شیعه تشکیل شده، به عنوان یک نیروی مدافع در برابر گروه داعش و دیگر گروه‌های معارض سنی ظهور کرد. این نیروها در مقابله با تهدیدات داعش و تأمین امنیت مناطق شیعه‌نشین و حتی برخی مناطق سنی‌نشین، نقش بسزایی ایفا کردند. حشد الشعبی به ویژه در مناطق شمالی و غربی عراق که به شدت از سوی

داعش تهدید می‌شدند، توانست با پشتیبانی ایران و به کمک مشاوران نظامی ایرانی، امنیت نسبی ایجاد کند. حمایت ایران از حشد الشعبی نه تنها به تأمین امنیت داخلی عراق کمک کرد، بلکه باعث تقویت جایگاه ایران در میان گروه‌های شیعه و حکومت مرکزی عراق شد. این اقدام ایران در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ که داعش بخش‌های زیادی از عراق را اشغال کرده بود، به عنوان یکی از نقاط قوت سیاست ایران در عراق شناخته می‌شود (Haddad, 2016).

۶- سیاست عربستان سعودی در عراق و حمایت از گروه‌های معارض

در مقابل، عربستان سعودی که به عنوان یک کشور سنی و رقیب منطقه‌ای ایران شناخته می‌شود، از بدو سقوط صدام سعی کرده است تا از افزایش نفوذ ایران در عراق جلوگیری کند. عربستان از سیاست‌های مختلفی برای محدودسازی نفوذ ایران بهره برده است که مهم‌ترین آن‌ها حمایت از «گروه‌های سنی معارض» و تا پیش از سال ۲۰۱۸، «گروه‌های تروریستی و داعش» بوده است. عربستان با حمایت‌های مالی و رسانه‌ای از برخی گروه‌های سنی که مخالف حکومت شیعه‌محور عراق بودند، به مقابله با نفوذ ایران پرداخت (Mabon, 2013).

این حمایت‌ها عمدتاً از طریق شبکه‌های پیچیده‌ای از کانال‌های مالی و حمایتی انجام می‌شد که به گروه‌های مخالف شیعه و نیروهای داعش اجازه می‌داد تا مناطق گسترده‌ای از عراق به ویژه مناطق سنی‌نشین را تحت کنترل خود بگیرند. حضور داعش و گروه‌های تروریستی در عراق با ایجاد «شکاف‌های قومی و مذهبی» و تضعیف حکومت مرکزی، موجب ناپایداری و بی‌ثباتی در این کشور شد. در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷، گروه داعش با تسلط بر شهرهای مهمی چون موصل، بزرگ‌ترین تهدید برای حاکمیت دولت عراق به شمار می‌رفت.

۷- تأثیر رقابت ایران و عربستان بر ساختار سیاسی و اجتماعی عراق

این رقابت میان ایران و عربستان، تأثیرات عمیقی بر ساختار سیاسی و اجتماعی عراق داشته است. از یک سو، حضور و نفوذ ایران در عراق موجب شده است تا «همگرایی هویتی و مذهبی» میان شیعیان دو کشور تقویت شود و به تشکیل یک محور شیعی در منطقه کمک کند. ایران با حمایت از احزاب شیعه و نیروهای شبه‌نظامی مانند حشد الشعبی، تلاش کرده است تا عراق را به یک متحد استراتژیک در برابر تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل کند (Gause, 2014).

از سوی دیگر، عربستان سعودی با حمایت از گروه‌های مخالف و ترویج سیاست‌های تفرقه‌افکنانه، سعی کرده است تا «شکاف‌های فرقه‌ای و مذهبی» را در عراق تعمیق کند. این سیاست‌ها به ویژه در مناطق سنی‌نشین و مناطق تحت کنترل داعش، باعث افزایش بی‌ثباتی و

کاهش نفوذ حکومت مرکزی عراق شد. این رقابت به بی‌ثباتی عراق دامن زد و به نوعی جنگ نیابتی بین ایران و عربستان در عراق تبدیل شد که هنوز هم تأثیرات آن بر جامعه عراق به وضوح دیده می‌شود.

۸- تغییر رویکرد عربستان پس از سال ۲۰۱۸

پس از سال ۲۰۱۸ و به خصوص با کاهش حضور داعش در عراق، رویکرد عربستان در قبال عراق تغییر کرده است. عربستان تلاش کرده است تا به جای حمایت از گروه‌های تندرو و معارض به «دیپلماسی اقتصادی» و «تقویت روابط رسمی با دولت مرکزی عراق» روی آورد. این تغییر رویکرد به نوعی پاسخ به سیاست‌های ایران و تأثیر نفوذ ایران بر عراق بوده است.

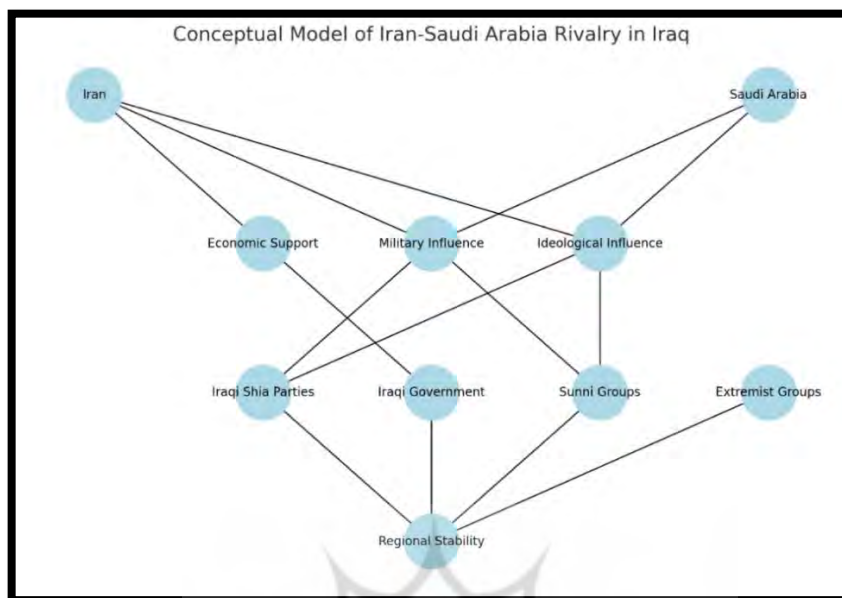
در سال ۲۰۲۱ عربستان و عراق در مورد تشکیل صندوق سرمایه‌گذاری مشترک به تفاهم رسیدند و عربستان ۳ میلیارد دلار به این صندوق جهت سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف عراق تزریق کرد. آمار و ارقام رسمی نشان می‌دهد که تجارت بین عراق و عربستان سعودی بین سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲، پنجاه درصد رشد داشته است و در مجموع به ۱٫۵ میلیارد دلار رسیده است. بزرگ‌ترین پروژه سرمایه‌گذاری عربستان سعودی در عراق، پروژه «خیابان بغداد» است. این سرمایه‌گذاری یک میلیارد دلاری شامل بزرگ‌ترین مرکز خرید در عراق، ۴۰۰۰ آپارتمان و ۲۵۰۰ ویلا است (The Media Line, 2024).

با این حال، تلاش‌های عربستان برای ترمیم روابط با عراق هنوز هم در سایه نفوذ قوی ایران در این کشور با چالش‌های زیادی روبه‌رو است (Al-Rashed, 2018).

رقابت میان ایران و عربستان در عراق، نمود بارزی از تقابل دو هویت مذهبی و استراتژیک در خاورمیانه است. ایران با تمرکز بر حمایت از احزاب شیعه و حکومت مرکزی شیعه، تلاش کرده است تا نفوذ و تأثیر خود را در عراق به عنوان یک هم‌پیمان استراتژیک افزایش دهد. در مقابل، عربستان با حمایت از گروه‌های معارض و تندرو، به ویژه تا قبل از سال ۲۰۱۸، سعی داشت تا نفوذ ایران را محدود و حکومت مرکزی عراق را تضعیف کند.

این رقابت نه تنها باعث افزایش شکاف‌های مذهبی و قومی در عراق شده، بلکه چالش‌های جدیدی را برای ثبات سیاسی و اجتماعی این کشور به وجود آورده است. با کاهش حضور داعش و تغییر سیاست‌های عربستان به نظر می‌رسد رقابت‌های ایران و عربستان در عراق به جای تأکید بر حمایت از گروه‌های معارض به سمت رقابت‌های اقتصادی و دیپلماتیک حرکت کرده است. این تحولات همچنان نشان‌دهنده اهمیت عراق به عنوان یک میدان رقابت استراتژیک بین دو قدرت اصلی خاورمیانه است.

نمودار-۱. مدل گرافیکی در خصوص رقابت ایران و عربستان در عراق



منبع: نگارنده

۱. ایران و عربستان در لایه بالایی به‌عنوان دو بازیگر اصلی رقابت در عراق قرار دارند.
 ۲. ابزارهای نفوذ آن‌ها شامل تأثیر نظامی، حمایت اقتصادی و نفوذ ایدئولوژیک در لایه دوم نمایش داده شده است.
 ۳. در لایه سوم، گروه‌های اصلی در عراق (احزاب شیعه، دولت مرکزی، گروه‌های سنی، و گروه‌های افراطی) و تأثیر این رقابت بر ثبات منطقه‌ای به تصویر کشیده شده‌اند.
- فلش‌ها نشان‌دهنده مسیرهای تأثیرگذاری هستند؛ به طوری که هر دو کشور از ابزارهای مختلف برای تأثیر بر گروه‌های داخلی عراق استفاده می‌کنند و این رقابت در نهایت بر ثبات منطقه‌ای اثرگذار است.

۹- نقش منافع در رقابت ایران و عربستان در عراق: یک تحلیل سازه‌نگارانه

۹-۱- تأثیر هویت‌های متضاد بر تعاملات منطقه‌ای

از دیدگاه سازه‌نگاری، هویت‌های متضاد ایران و عربستان سعودی به‌عنوان دو قدرت شیعه و سنی در منطقه، نقش مهمی در شکل‌دهی به سیاست‌های آن‌ها در عراق دارد. هویت انقلابی-شیعی ایران و هویت محافظه‌کارانه-سنی عربستان به رقابت برای نفوذ در عراق منجر شده است

(Mabon, 2013).

از دیدگاه سازه‌انگاری، هویت‌ها نقش اساسی در شکل‌گیری منافع و رفتارهای کشورها دارند و سیاست‌های خارجی آن‌ها را در ارتباط با یکدیگر تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این چارچوب، ایران و عربستان سعودی دو هویت مذهبی و سیاسی متضاد دارند: ایران با هویتی انقلابی-شیعی و عربستان با هویتی محافظه‌کارانه-سنی. این تفاوت‌های هویتی، زمینه‌ساز رقابت‌های منطقه‌ای میان این دو کشور به ویژه در کشورهای همسایه و حساس مانند عراق شده است.

ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، هویتی شیعی و انقلابی را به عنوان دال مرکزی گفتمان سیاست خارجی خود مطرح کرد. این هویت شامل تأکید بر مقاومت در برابر نفوذ غرب، حمایت از جنبش‌های اسلامی و تلاش برای ترویج ایدئولوژی «ولایت فقیه» به عنوان مدلی برای حکمرانی اسلامی است. این نگاه انقلابی و مذهبی، ایران را به دنبال ایجاد و تقویت همگرایی میان جوامع و احزاب شیعه منطقه به ویژه در عراق، کشاند.

در مقابل، عربستان سعودی که دارای هویتی محافظه‌کارانه و وهابی است، از سیاست حفظ «ثبات و نظم محافظه‌کارانه سنی» در منطقه حمایت می‌کند. عربستان خود را به عنوان رهبر کشورهای سنی معرفی کرده و نگران گسترش نفوذ ایران در کشورهای عربی، خصوصاً میان جوامع شیعی است. از این رو، ریاض به مقابله با نفوذ ایران پرداخته و با احزاب، گروه‌های سنی و حتی برخی گروه‌های شیعه مخالف ایران در عراق و دیگر کشورها ارتباط برقرار کرده است.

۹-۲- تلاش ایران و عربستان برای شکل‌دهی به هنجارها و هویت‌ها

ایران سعی دارد با ترویج هنجارهای شیعی و حمایت از احزاب همسو، هویت شیعی را در عراق تقویت کند. در مقابل، عربستان با حمایت از گروه‌های سنی و حتی برخی احزاب شیعه مخالف ایران در تلاش است تا نفوذ ایران را کاهش دهد و هنجارهای خود را ترویج کند (Matthiesen, 2014).

در زمینه «رقابت ایران و عربستان برای شکل‌دهی به هنجارها و هویت‌ها» در عراق، هر دو کشور از هویت‌ها و هنجارهای خاص خود برای نفوذ در این کشور استفاده می‌کنند و سعی دارند ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرهنگی همسو با منافع خود ایجاد کنند.

۹-۳- پیامدهای رقابت بر احزاب شیعه عراق

این رقابت منجر به تعمیق شکاف‌ها و افزایش واگرایی در میان احزاب شیعه شده است. برخی احزاب به سمت ایران گرایش یافته‌اند؛ در حالی که دیگران به دنبال روابط نزدیک‌تر با عربستان و قدرت‌های غربی هستند. این امر باعث تضعیف همگرایی شیعیان و ایجاد چالش‌هایی برای ثبات سیاسی عراق شده است (Haddad, 2016).

رقابت ایران و عربستان در عراق پیامدهای قابل توجهی برای احزاب شیعه این کشور داشته است. این رقابت نه تنها به تعمیق شکاف‌های داخلی میان گروه‌های شیعه انجامیده، بلکه موجب واگرایی و چنددستگی در میان آن‌ها شده است. از یک سو برخی احزاب شیعه عراقی مثل مجلس اعلی، حرکه عطا، ائتلاف الفتح و جریان صادقون به دلیل نزدیکی مذهبی و حمایت‌های اقتصادی و نظامی به سمت ایران گرایش پیدا کرده‌اند. این احزاب به حمایت ایران وابسته‌اند و از نظر هویتی نیز خود را همسو با محور شیعی که ایران نمایندگی می‌کند، می‌بینند.

از سوی دیگر، برخی گروه‌های شیعه دیگر به ویژه گروه‌های متمایل به استقلال از نفوذ ایران مثل جریان تشرین و ائتلاف النصر به دنبال ایجاد روابط نزدیک‌تر با عربستان سعودی و حتی قدرت‌های غربی هستند. این احزاب که عمدتاً به دنبال کاهش وابستگی به تهران و دستیابی به حمایت‌های عربی و غربی هستند، سعی دارند از رقابت میان ایران و عربستان به نفع خود بهره‌برداری کنند. این اختلافات به تضعیف همگرایی میان احزاب شیعه انجامیده و چالش‌هایی برای ثبات سیاسی عراق ایجاد کرده است. عدم همگرایی و وجود گرایش‌های متفاوت در میان احزاب شیعه به فرصتی برای کشورهای خارجی مانند عربستان و ایالات متحده برای افزایش نفوذ و کنترل سیاسی تبدیل شده است (Haddad, 2016).

به طور کلی، رقابت ایران و عربستان در سال‌های اخیر و پس از شکست داعش با ایجاد دو قطب هویتی-مذهبی متفاوت در عراق، مانع از انسجام سیاسی میان احزاب شیعه شده و عراق را در معرض تزلزل و ناپایداری بیشتر قرار داده است.

روابط جمهوری اسلامی ایران با احزاب شیعه عراق که از ابتدای انقلاب اسلامی شکل گرفته بود؛ به مرور زمان تقویت شد و پس از سال ۲۰۰۳ میلادی به سطح روابط استراتژیک رسید. اما با تغییر سیاست بازیگران جدید (کشورهای عربی خلیج فارس به ویژه عربستان)، پس از شکست داعش در عراق و تغییر رویکرد این کشورها نسبت به حکومت مرکزی و شیعیان عراق، این معادله دستخوش تغییر شد.

این تغییر رویکرد عربستان سعودی نسبت به دولت مرکزی عراق از سال ۲۰۱۷ میلادی به‌طور آشکار مشاهده شد. دیدارهای مکرر و ارتباط با حکومت مرکزی شیعه و رهبران آن یکی از این رویکردها بود. در همان سال، نخست‌وزیر وقت عراق (حیدر العبادی) دو بار به عربستان سعودی سفر کرد. همچنین سفر مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر وقت عراق به عربستان در سال ۲۰۲۱ را می‌توان تمایل بخشی از بدنه حاکمیتی و جریان‌های سیاسی این کشور به توسعه روابط با عربستان را نشان داد. در این راستا سید مقتدی صدر، رهبر جریان صدر در توثیتی در مورد سفر مصطفی الکاظمی به عربستان و امارات نوشت: «روابط گسترده عراق با کشورهای عربی و سفر الکاظمی به

کشورهای برادر عربستان یا امارات، گامی در مسیر درست به شمار می‌رود؛ چرا که ما با این دو کشور تاریخ بسیار طولانی داریم. ما با این کشورها به آینده‌ای درخشان دست پیدا می‌کنیم. میان ما و آن‌ها برادری، شراکت و صلح در راستای منافع کشورهایمان حاکم است. عراق باید محور صلح در همه منطقه و به خصوص خاورمیانه باشد» (Middle East News, 2021). همچنین سفر مهم سید مقتدی صدر، رهبر جریان صدر به این کشور در سال ۲۰۱۷ که مورد حمایت آمریکا قرار گرفت؛ نشان‌دهنده تحولات جدید در معادلات منطقه‌ای بود. این در حالی است که هیئت‌های مختلفی از عربستان به عراق (و بالعکس) در این سال‌ها دیده می‌شد که افزایش قابل توجهی داشت. در سال ۲۰۲۲ نیز شاهد سفر عمار حکیم، رهبر جریان حکمت ملی عراق و رئیس پیشین مجلس اعلای اسلامی این کشور به عربستان سعودی بودیم.

در سال ۲۰۱۹ میلادی و هم‌زمان با آغاز تظاهرات تشرین که عمدتاً در مناطق شیعه‌نشین عراق شکل گرفت، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس حمایت گسترده‌ای از این جریان به عمل آوردند. در نهایت این اعتراضات منجر به استعفای دولت وقت عراق (که همسو با ایران تلقی می‌شد) شد و به تدریج رنگ و بوی ضد ایرانی پیدا کرد. در این شرایط، صحنه سیاسی شیعیان عراق به سه جریان عمده تقسیم شد:

۱) جریان نخست (احزاب شیعه همسو با ایران): گروه‌هایی که مورد هجوم معترضان قرار گرفتند و دفا تر آن‌ها به آتش کشیده شد.

۲) جریان دوم (جریان شیعه صدر): گروه‌هایی که موضعی خنثی اتخاذ کردند و تلاش داشتند خود را در کنار معترضان نشان دهند.

۳) جریان سوم (جریان شیعه مدنی): گروه‌هایی که مورد حمایت برخی کشورهای عربی به ویژه در حوزه رسانه‌ای قرار گرفتند.

این تحولات موجب شد که احزاب شیعه عراق با ورود و تأثیرگذاری بازیگران جدید در عرصه سیاسی و رسانه‌ای، دچار واگرایی محسوسی شوند. در این میان، برخی کشورها مفهومی جدید تحت عنوان «جریان مدنی» یا «جریان تشرین سیاسی» را مطرح کردند که مورد حمایت و استقبال کشورهای عربی و فرامنطقه‌ای قرار گرفت.

۹-۴- نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای

حضور ایالات متحده و دیگر قدرت‌های بین‌المللی نیز به پیچیدگی رقابت در عراق افزوده است. این قدرت‌ها با دنبال کردن منافع خود به تشدید رقابت‌ها و اختلافات داخلی دامن زده‌اند (Gause, 2014).

حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای نظیر ایالات متحده در عراق، نقش مهمی در پیچیدگی و تشدید

رقابت‌های داخلی و منطقه‌ای داشته است. از زمان حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، حضور نظامی و سیاسی ایالات متحده در این کشور، علاوه بر تغییر توازن قدرت، به افزایش تنش‌ها و اختلافات درونی دامن زده است. ایالات متحده با دنبال کردن اهداف استراتژیک خود از جمله محدودسازی نفوذ ایران و تأمین منافع اقتصادی و امنیتی در منطقه با گروه‌های مختلف عراقی از جمله برخی احزاب سنی و حتی شیعیان مخالف ایران تعاملات گسترده‌ای برقرار کرده است. این سیاست‌ها به نوعی راه را برای افزایش واگرایی و تشدید اختلافات داخلی در عراق هموار کرده است (Gause, 2014).

حضور سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون اتحادیه اروپا و برخی کشورهای غربی دیگر به ویژه در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی به طور غیرمستقیم بر تعمیق شکاف‌ها و پیچیدگی رقابت‌ها اثر گذاشته است. این کشورها نیز با دنبال کردن منافع اقتصادی و جغرافیای سیاسی خود، برخی گروه‌های داخلی را برای حفظ جایگاه و نفوذ در ساختار قدرت عراق حمایت می‌کنند. این تعاملات با گروه‌های متنوع سیاسی، موجب شده است که عراق به عرصه‌ای برای رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شود و از انسجام داخلی آن کاسته شود. در نهایت، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در عراق نه تنها به افزایش پیچیدگی رقابت میان ایران و عربستان انجامیده است، بلکه ساختار سیاسی عراق را نیز دستخوش تغییراتی کرده و بر ثبات این کشور تأثیرات منفی داشته است.

۱۰- بررسی داده‌های پرسشنامه: تحلیل تعاملات ایران و نقش رقابت عربستان

برای تحلیل تعاملات جمهوری اسلامی ایران با احزاب شیعه عراق و نقش رقابت عربستان سعودی، از داده‌های پرسشنامه‌ای که میان نخبگان ایرانی و عراقی توزیع شده است؛ استفاده می‌کنیم. این پرسشنامه شامل سؤالاتی در مورد تأثیر سیاست‌های ایران بر احزاب شیعه، میزان همگرایی و واگرایی میان آنان و نقش رقبا در این فرآیند است.

۱۰-۱- توصیف داده‌های جمع آوری شده

بر اساس سؤالات، اهداف و فرضیه‌های پژوهش، ۲۱ سؤال با مشورت استاد راهنمای محترم تدوین و برای ۵۷ نخبه ایرانی و عراقی ارسال شد. این پرسشنامه بین ۱۳ مسئول ایرانی و ۴۴ مسئول عراقی منتشر شد به عبارتی ۲۲,۰۸ درصد از پاسخ دهندگان ایرانی و ۷۷,۰۲ درصد از پاسخ دهندگان عراقی بودند. دلیل آن که پاسخ دهندگان عراقی از پاسخ دهندگان ایرانی بیشتر هستند این است که ما بیشتر به دنبال نظر و موضع عراقی‌ها در خصوص آسیب‌های سیاست جمهوری اسلامی

ایران در عراق بوده‌ایم و از آن‌جا که نمونه آماری در عراق بیشتر بود؛ تعداد پاسخ‌دهندگان عراقی در پژوهش بیشتر شد.

۱۰-۲- تحلیل یافته‌های براساس آزمون

در این پژوهش، پاسخ کارشناسان و نخبگان مورد تحلیل قرار گرفت و میانگین و انحراف معیار هر سؤال مشخص شد که در ذیل، میانگین پاسخ به سؤالات ارائه شده است:

میانگین کلی نمرات برای هر سؤال در بین نخبگان ایرانی و عراقی و همچنین نمرات میانگین ایرانی‌ها و عراقی‌ها به صورت جداگانه در جدول زیر آمده است:

میانگین نمرات کلی (ایرانی‌ها و عراقی‌ها)	میانگین نمرات ایرانی‌ها	میانگین نمرات عراقی‌ها	تفاوت میانگین نمرات سؤالات بین شرکت‌کنندگان ایرانی و عراقی
سؤال ۱: ۳,۷۰	سؤال ۱: ۳,۳۸	سؤال ۱: ۳,۸۰	سؤال ۱: ۰,۴۱- ایرانی‌ها کمتر
سؤال ۲: ۳,۸۴	سؤال ۲: ۳,۶۹	سؤال ۲: ۳,۸۹	سؤال ۲: ۰,۱۹- ایرانی‌ها کمتر
سؤال ۳: ۲,۳۹	سؤال ۳: ۱,۸۵	سؤال ۳: ۲,۵۵	سؤال ۳: ۰,۷۰- ایرانی‌ها کمتر
سؤال ۴: ۳,۱۴	سؤال ۴: ۲,۴۶	سؤال ۴: ۳,۳۴	سؤال ۴: ۰,۸۸- ایرانی‌ها کمتر
سؤال ۵: ۲,۷۹	سؤال ۵: ۳,۳۸	سؤال ۵: ۲,۶۱	سؤال ۵: ۰,۷۷+ ایرانی‌ها بیشتر
سؤال ۶: ۳,۷۲	سؤال ۶: ۳,۴۶	سؤال ۶: ۳,۸۰	سؤال ۶: ۰,۳۳- ایرانی‌ها کمتر
سؤال ۷: ۳,۵۳	سؤال ۷: ۳,۲۳	سؤال ۷: ۳,۶۱	سؤال ۷: ۰,۳۸- ایرانی‌ها کمتر
سؤال ۸: ۳,۱۶	سؤال ۸: ۳,۶۲	سؤال ۸: ۳,۰۲	سؤال ۸: ۰,۵۹+ ایرانی‌ها بیشتر
سؤال ۹: ۲,۷۹	سؤال ۹: ۲,۱۵	سؤال ۹: ۲,۹۸	سؤال ۹: ۰,۸۲- ایرانی‌ها کمتر
سؤال ۱۰: ۲,۴۴	سؤال ۱۰: ۲,۶۲	سؤال ۱۰: ۲,۳۹	سؤال ۱۰: ۰,۲۳+ ایرانی‌ها بیشتر
سؤال ۱۱: ۲,۹۸	سؤال ۱۱: ۲,۵۴	سؤال ۱۱: ۳,۱۱	سؤال ۱۱: ۰,۵۸- ایرانی‌ها کمتر
سؤال ۱۲: ۲,۸۶	سؤال ۱۲: ۳,۱۵	سؤال ۱۲: ۲,۷۷	سؤال ۱۲: ۰,۳۸+ ایرانی‌ها بیشتر
سؤال ۱۳: ۴,۲۳	سؤال ۱۳: ۴,۰۸	سؤال ۱۳: ۴,۲۷	سؤال ۱۳: ۰,۲۰- ایرانی‌ها کمتر
سؤال ۱۴: ۴,۳۵	سؤال ۱۴: ۴,۶۲	سؤال ۱۴: ۴,۲۷	سؤال ۱۴: ۰,۳۴+ ایرانی‌ها بیشتر
سؤال ۱۵: ۲,۵۱	سؤال ۱۵: ۱,۸۵	سؤال ۱۵: ۲,۷۰	سؤال ۱۵: ۰,۸۶- ایرانی‌ها کمتر
سؤال ۱۶: ۲,۳۹	سؤال ۱۶: ۲,۷۷	سؤال ۱۶: ۲,۲۷	سؤال ۱۶: ۰,۵۰+ ایرانی‌ها بیشتر
سؤال ۱۷: ۳,۱۶	سؤال ۱۷: ۳,۳۱	سؤال ۱۷: ۳,۱۱	سؤال ۱۷: ۰,۱۹+ ایرانی‌ها بیشتر
سؤال ۱۸: ۲,۸۱	سؤال ۱۸: ۳,۰۸	سؤال ۱۸: ۲,۷۳	سؤال ۱۸: ۰,۳۵+ ایرانی‌ها بیشتر
سؤال ۱۹: ۲,۶۷	سؤال ۱۹: ۲,۵۴	سؤال ۱۹: ۲,۷۰	سؤال ۱۹: ۰,۱۷- ایرانی‌ها کمتر
سؤال ۲۰: ۲,۳۵	سؤال ۲۰: ۲,۵۴	سؤال ۲۰: ۲,۳۰	سؤال ۲۰: ۰,۲۴+ ایرانی‌ها بیشتر
سؤال ۲۱: ۲,۶۵	سؤال ۲۱: ۲,۳۱	سؤال ۲۱: ۲,۷۵	سؤال ۲۱: ۰,۴۴- ایرانی‌ها کمتر

۱۰-۳- توضیحات تکمیلی

توضیحات تکمیلی براساس اعداد و ارزیابی پرسش نامه می باشد که به شکل ذیل می باشد:

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۵	۴	۳	۲	۱

سؤال شماره ۱- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به تقویت شیعه در عراق شده است؟		
عراقی ها	ایرانی ها	نمره
۳,۸۰	۳,۳۸	
عراقی ها با اختلاف بسیار کمی معتقدند که سیاست جمهوری اسلامی ایران منجر به تقویت شیعه در عراق شده است اما در نهایت هر دو طیف در یک اندازه اعتقاد دارند که سیاست ایران منجر به تقویت عراق شیعه در عراق شده است.		نظر کلی

سؤال شماره ۲- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به ادامه احزاب شیعه در قدرت عراق شده است؟		
عراقی ها	ایرانی ها	نمره
۳,۸۹	۳,۶۹	
عراقی ها با اختلاف بسیار کمی معتقدند که سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه منجر به ادامه احزاب شیعه در قدرت عراق شده است اما در نهایت هر دو طیف در یک اندازه اعتقاد دارند که سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه منجر به ادامه احزاب شیعه در قدرت عراق شده است.		نظر کلی

سؤال شماره ۳- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به محبوبیت ایران در عراق شده است؟		
عراقی ها	ایرانی ها	نمره
۲,۵۵	۱,۸۵	
هر دو طیف ایرانی و عراقی به صورت مجموع با اتفاق نظر معتقدند که سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه در عراق منجر به عدم محبوبیت ایران در بین افکار عمومی عراق شده است. قابل ذکر است که نخبگان ایرانی بیشتر به این موضوع پرداخته و اعتقاد دارند که احزاب شیعه حاکم بر نگاه مردم عراق به ایران ارتباط مستقیمی داشته‌اند.		نظر کلی

سؤال شماره ۴- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به تأسیس یک جبهه امپریالیست در عراق شده است؟		
عراقی‌ها	ایرانی‌ها	نمره
۳,۳۴	۲,۴۶	
ایرانی‌ها کمتر از عراقی‌ها اعتقاد بر این امر دارند که سیاست ایران در قبال احزاب شیعه منجر به تأسیس جبهه ضد امپریالیست در عراق شده است؛ البته این امر در بین نخبگان عراقی بیشتر بوده و آن‌ها معتقدند که سیاست ایران در قبال احزاب شیعه با حمایت از گروه‌های مقاومت در بین احزاب شیعه منجر به تأسیس یک جبهه ضد امپریالیست در عراق شده است البته تأثیر ایران در این حوزه را متوسط ارزیابی کردند.		نظر کلی

سؤال شماره ۵- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق به گفتمان (ایدئولوژی) آن حزب بستگی دارد؟		
عراقی‌ها	ایرانی‌ها	نمره
۲,۶۱	۳,۳۸	
نخبگان ایرانی معتقدند که سیاست جمهوری اسلامی ایران در حمایت آن‌ها از احزاب شیعه عراقی به ایدئولوژی حزب مرتبط است. البته عراقی‌ها به این سؤال نمره ۲,۶۱ را داده‌اند؛ به این معنی که حمایت ایران از احزاب شیعه عراق، زیاد به گفتمان حزب مرتبط نمی‌شد و تأثیر کمی دارد. شاید شاخص‌های دیگری مانند منافع و مصالح کشور مد نظر گرفته شود.		نظر کلی

سؤال شماره ۶- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به تقویت رابطه حکومتی بین دو کشور شده است؟		
عراقی‌ها	ایرانی‌ها	ملیت
۳,۸۰	۳,۴۶	نمره
ایرانی‌ها و عراقی‌ها به طور کلی معتقدند که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران منجر به تقویت رابطه حکومتی بین دو کشور شده است. هرچند که این سؤال نمره میانگین تقریبی ۳,۷۲ را گرفته است اما هر دو قشر در این خصوص اتفاق نظر نزدیکی دارند.		نظر کلی

سؤال شماره ۷- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به حضور رقیبان (عربستان و آمریکا) در بین شیعیان شده است؟		
عراقی‌ها	ایرانی‌ها	ملیت
۳,۳۶	۳,۲۳	نمره

هر دو گروه ایرانی و عراقی به‌طور تقریبی نمرات مشابهی داده‌اند که نشان می‌دهد سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران ممکن است در شکل‌گیری حضور رقیبان در بین شیعیان عراق تأثیر داشته باشد. عراقی‌ها کمی بیشتر از ایرانی‌ها این تأثیر را احساس کرده‌اند.	نظر کلی
---	---------

سؤال شماره ۸- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به شکاف مردم و احزاب سیاسی شیعه شده است؟

عراقی‌ها	ایرانی‌ها	ملیت
۳,۰۲	۳,۶۲	نمره

ایرانی‌ها معتقدند که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق تا حد بیشتری منجر به ایجاد شکاف بین مردم و احزاب سیاسی شیعه شده است. در مقابل، عراقی‌ها این اثر را کمتر از ایرانی‌ها احساس کرده‌اند. شاید عراقی‌ها فساد و ناکارآمدی احزاب سیاسی شیعه را عامل مهم‌تری در شکاف بین مردم و احزاب حاکم شیعه می‌دانند. ایرانی‌ها نیز به این دلیل که از این احزاب پشتیبانی می‌کنند؛ شاید به نوعی خود را بیشتر در این خصوص مقصر می‌دانند.	نظر کلی
---	---------

سؤال شماره ۹- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به وحدت ملی عراق شده است؟

عراقی‌ها	ایرانی‌ها	ملیت
۲,۹۸	۲,۱۵	نمره

عراقی‌ها با نمره بالاتری معتقدند که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران تا حدی به وحدت ملی عراق کمک کرده است. در مقابل، ایرانی‌ها این اثر را کمتر ارزیابی کرده و بر این باورند که سیاست‌های ایران تأثیر کمتری در ایجاد وحدت ملی عراق داشته است. شاید موضوع وحدت ملی و ملی‌گرایی تهدیدی برای کشورهای همسایه به ویژه ایران قرار گیرد؛ چرا که ملی‌گرایی بدون عقیده و ایدئولوژی می‌تواند یک اسلام لیبرال-سکولار را در عراق متولد کند.	نظر کلی
---	---------

سؤال شماره ۱۰- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به ایران‌هراسی در بین مردم عراق شده است؟

عراقی‌ها	ایرانی‌ها	ملیت
۲,۳۹	۲,۶۲	نمره

ایرانی‌ها معتقدند که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در حد متوسطی منجر به	نظر کلی
---	---------

ایران‌هراسی در بین مردم عراق شده است و شاید تا حدودی پشتیبانی از این احزاب و عملکرد آن‌ها را در این امر مؤثر می‌دانند. در حالی که عراقی‌ها این تأثیر را کمتر از ایرانی‌ها ارزیابی کرده‌اند و شاید عوامل دیگری مانند رقابت‌های منطقه و تأثیر این دولت در افکار عمومی عراق را در این حوزه مؤثر می‌دانند.
--

سؤال شماره ۱۱- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به استقلال عراق در قبال دشمن خارجی شده است؟

عراقی‌ها	ایرانی‌ها	ملیت
۳,۱۱	۲,۵۴	نمره
عراقی‌ها معتقدند که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران تا حد بیشتری منجر به استقلال عراق در مقابل دشمنان خارجی شده است؛ در حالی که ایرانی‌ها این تأثیر را کمتر ارزیابی کرده‌اند. این نشان می‌دهد که عراقی‌ها نقش ایران را در تقویت استقلال عراق در برابر دشمنان خارجی مؤثرتر می‌دانند. دلیل این اختلاف این است که شاید عراقی‌ها کمک و پشتیبانی ایران در عرصه مبارزه با داعش را عامل استقلال و امنیت عراق می‌دانند. این در حالی است که ایرانی‌ها نفوذ آمریکا در عراق، ایجاد پایگاه‌های نظامی و وابستگی بیش از ۹۰ درصد اقتصادی را عامل حضور دشمنان در عراق می‌دانند.		نظر کلی

سؤال شماره ۱۲- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به دولت‌سازی در عراق شده است؟

عراقی‌ها	ایرانی‌ها	ملیت
۲,۷۷	۳,۱۵	نمره
ایرانی‌ها معتقدند که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران تا حدی منجر به دولت‌سازی در عراق شده است. در مقابل، عراقی‌ها این تأثیر را کمتر ارزیابی کرده‌اند و بر این باورند که نقش ایران در این زمینه محدودتر بوده است. ایرانی‌ها همچنان معتقد به برگزاری انتخابات در عراق و حضور احزاب شیعه در انتخابات‌های عراق جدید بوده‌اند.		نظر کلی

سؤال شماره ۱۳- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به تشکیل گروه‌های مسلح شیعه شده است؟

عراقی‌ها	ایرانی‌ها	ملیت
۴,۲۷	۴,۰۸	نمره

هر دو گروه ایرانی و عراقی معتقدند که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران تأثیر قابل‌توجهی در تشکیل گروه‌های مسلح شیعه در عراق داشته است. نمرات بالای هر دو گروه نشان‌دهنده این است که این تأثیر به‌وضوح احساس شده و بسیاری بر این باورند که این سیاست‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم منجر به ایجاد و تقویت گروه‌های مسلح شیعه در عراق شده است. شاید بتوان گفت دلیل اصلی حمایت ایران از گروه‌های مسلح وجود دشمنان مانند داعش در عراق بود.	نظر کلی
---	---------

سؤال شماره ۱۴- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به تقویت گروه‌های نظامی رسمی عراق (الحشد الشعبی) شده است؟

عراقی‌ها	ایرانی‌ها	ملیت
۴,۲۷	۴,۶۲	نمره
هر دو گروه ایرانی و عراقی به‌وضوح معتقدند که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی در تقویت الحشد الشعبی و گروه نظامی رسمی عراق داشته است. نمرات بالای هر دو گروه نشان‌دهنده این است که ایران تأثیر زیادی در تقویت این گروه‌ها، چه از نظر نظامی و چه از نظر سازماندهی، داشته است.	نظر کلی	

سؤال شماره ۱۵- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به تقویت مشارکت مردم در انتخابات شده است؟

عراقی‌ها	ایرانی‌ها	ملیت
۲,۷۰	۱,۸۵	نمره
هر دو گروه معتقدند که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران تأثیر محدودی بر تقویت مشارکت مردم در انتخابات عراق داشته است. با این حال، عراقی‌ها نمره بالاتری به این سؤال داده‌اند که نشان می‌دهد آن‌ها تأثیر این سیاست‌ها را بیشتر از ایرانی‌ها ارزیابی کرده‌اند. قابل ذکر است که مشارکت در انتخابات در سال‌های گذشته کاهش پیدا کرده است.	نظر کلی	

سؤال شماره ۱۶- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به تأسیس احزاب شیعه سکولار شده است؟

عراقی‌ها	ایرانی‌ها	ملیت
۲,۲۷	۲,۷۷	نمره
هر دو گروه ایرانی و عراقی معتقدند که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران تأثیر محدودی بر تأسیس احزاب شیعه سکولار در عراق داشته است. ایرانی‌ها نسبت به	نظر کلی	

عراقی‌ها کمی بیشتر معتقدند که این تأثیر وجود داشته است، اما نمره‌های نسبتاً پایین نشان می‌دهد که این تأثیر در سطح محدودی ارزیابی شده است.

سؤال شماره ۱۷- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به افزایش فساد احزاب سیاسی عراق شده است؟

ملیت	ایرانی‌ها	عراقی‌ها
نمره	۳,۳۱	۳,۱۱

نظر کلی
هر دو گروه ایرانی و عراقی معتقدند که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران تا حدی در افزایش فساد احزاب سیاسی عراق نقش داشته است. ایرانی‌ها با نمره کمی بالاتر نسبت به عراقی‌ها، این تأثیر را بیشتر احساس کرده‌اند، اما هر دو گروه به‌طور کلی این تأثیر را متوسط ارزیابی کرده‌اند.

سؤال شماره ۱۸- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به شکل‌گیری جریان تشرین در سال ۲۰۱۹ میلادی شده است؟

ملیت	ایرانی‌ها	عراقی‌ها
نمره	۳,۰۸	۲,۷۳

نظر کلی
ایرانی‌ها بیشتر معتقدند که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران تا حدودی در شکل‌گیری جریان تشرین در عراق در سال ۲۰۱۹ نقش داشته است؛ شاید این به دلیل حمایت از احزاب شیعه عراق می‌باشد. در حالی که عراقی‌ها این تأثیر را کمتر ارزیابی کرده‌اند، نمرات نشان می‌دهد که هر دو گروه این تأثیر را به‌صورت متوسط احساس کرده‌اند.

سؤال شماره ۱۹- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به شکل‌گیری جریان ولایت فقیه (در حوزه اجتماعی-سیاسی) شده است؟

ملیت	ایرانی‌ها	عراقی‌ها
نمره	۲,۵۴	۲,۷۰

نظر کلی
عراقی‌ها بیشتر از ایرانی‌ها معتقدند که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران تا حدی منجر به شکل‌گیری جریان ولایت فقیه در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی در عراق شده است؛ شاید این به دلیل شکل‌گیری گروه‌های مقاومت همسو با ولایت فقیه باشد. با این حال، هر دو گروه نمرات نسبتاً پایینی به این سؤال داده‌اند که نشان‌دهنده تأثیر محدود این سیاست‌ها در این زمینه است.

سؤال شماره ۲۰- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به تقویت جریان مدنی در عراق شده است؟		
عراقی‌ها	ایرانی‌ها	ملیت
۲,۳۰	۲,۵۴	نمره
هر دو گروه معتقدند که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، تأثیر محدودی در تقویت جریان مدنی در عراق داشته است. ایرانی‌ها تأثیر این سیاست‌ها را کمی بیشتر از عراقی‌ها ارزیابی کرده‌اند، اما هر دو گروه نمرات نسبتاً پایینی به این سؤال داده‌اند که نشان‌دهنده تأثیر کم این سیاست‌ها بر تقویت جریان مدنی است.		نظر کلی

سؤال شماره ۲۱- سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق منجر به همسو شدن جریان مرجعیت (آیت الله سیستانی) با دولت شده است؟		
عراقی‌ها	ایرانی‌ها	ملیت
۲,۷۵	۲,۳۱	نمره
عراقی‌ها به این سؤال نمره متوسطی داده‌اند که نشان می‌دهد سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران تا حدی در همسو کردن جریان مرجعیت آیت‌الله سیستانی با دولت عراق تأثیر داشته، اما این تأثیر در سطح محدود ارزیابی شده است.		نظر کلی

۴-۱۰- یافته‌های تحقیق

در چارچوب سؤال اصلی، یافته‌های تحقیق عبارتند از:

۴-۱۰-۱- تعاملات جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر احزاب شیعه عراق

- تقویت احزاب شیعه: طبق یافته‌های موجود در پرسشنامه، بسیاری از پاسخ‌دهندگان معتقدند که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران باعث تقویت احزاب شیعه در عراق شده است. این تقویت به شکل‌هایی مانند افزایش نفوذ سیاسی و حفظ قدرت در ساختار حکومتی عراق بروز کرده است.
- تداوم قدرت شیعه: داده‌های پرسشنامه نشان می‌دهد که تعاملات ایران باعث شده احزاب شیعه به ویژه از زمان سقوط صدام حسین تا کنون به حضور در قدرت ادامه دهند و نقشی کلیدی در تحولات سیاسی عراق ایفا کنند. این تعاملات به شیعیان کمک کرده است تا در برابر رقابت‌های داخلی و فشارهای خارجی مقاومت کنند.

۱۰-۴-۲- استحکام و یکپارچگی شیعیان در عراق

- افزایش انسجام داخلی شیعیان: یکی از اثرات مثبت سیاست‌های ایران، انسجام داخلی شیعیان بوده است. با توجه به نمرات داده شده به سؤالات مرتبط با وحدت و انسجام، ایران توانسته است از طریق حمایت از احزاب و گروه‌های شیعه، به تقویت انسجام میان این احزاب و کاهش تنش‌های داخلی کمک کند.
- همکاری میان احزاب شیعه: سیاست‌های ایران به نوعی میان احزاب شیعه در عراق همگرایی ایجاد کرده و باعث شده است که این احزاب در زمان‌های بحرانی و چالش برانگیز در برابر تهدیدات خارجی و داخلی متحد شوند. این امر به ویژه در مقابله با داعش و حضور آمریکا در عراق نمود داشته است.

۱۰-۴-۳- چگونگی تقویت و استحکام شیعیان

- حمایت مالی، نظامی و سیاسی ایران: ایران از طریق ارائه کمک‌های مالی، نظامی و سیاسی به گروه‌ها و احزاب شیعه در عراق توانسته است به تقویت این گروه‌ها در برابر چالش‌های مختلف کمک کند. از جمله این حمایت‌ها می‌توان به حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی مانند حشد الشعبی و پشتیبانی از احزاب سیاسی اشاره کرد.
- همکاری در حوزه امنیت و دفاع: حمایت‌های نظامی ایران در جنگ علیه داعش نقش کلیدی در تقویت قدرت و موقعیت گروه‌های شیعه ایفا کرد. این حمایت‌ها باعث شد تا گروه‌های شیعه نه تنها قدرت نظامی خود را حفظ کنند بلکه در ساختار نظامی عراق نیز نقش بیشتری ایفا کنند.

۱۰-۴-۴- تایج تعاملات در ایجاد وحدت

- وحدت میان احزاب شیعه: سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران تا حدودی موفق به ایجاد وحدت در میان احزاب شیعه عراق شده است. اگرچه چالش‌هایی همچنان وجود دارد، اما این وحدت به ویژه در مقابله با دشمنان خارجی و تهدیدات داخلی تقویت شده است.
- مشارکت در ساختار سیاسی عراق: تعاملات ایران باعث شده است احزاب شیعه بتوانند در ساختار سیاسی عراق جایگاه ثابتی کسب کنند. این مشارکت همزمان با تقویت روابط ایران و عراق به تقویت شیعیان در این کشور منجر شده است.

به طور کلی، تعاملات و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با احزاب شیعه عراق کارآمد بوده و توانسته است به طور مؤثری به تقویت و استحکام موقعیت سیاسی و نظامی شیعیان کمک کند. از طریق حمایت‌های مختلف، ایران توانسته است همگرایی و انسجام میان شیعیان را بهبود بخشد و آن‌ها را در برابر تهدیدات خارجی و داخلی تقویت کند. البته این تعاملات چالش‌هایی نیز

به همراه داشته و همواره به‌طور کامل موفقیت‌آمیز نبوده است، اما تأثیر کلی آن‌ها بر شیعیان عراق مثبت ارزیابی می‌شود.

نتیجه‌گیری

تحلیل حاضر نشان می‌دهد که تعاملات جمهوری اسلامی ایران با احزاب شیعه عراق در ابتدا به تقویت جایگاه این احزاب در ساختار سیاسی عراق کمک کرده است؛ اما در عین حال، رقابت‌های منطقه‌ای و حضور قدرت‌های رقیب مانند عربستان سعودی موجب تشدید اختلافات داخلی میان این احزاب و کاهش اثربخشی این تعاملات گردیده است. از منظر نظریه سازه‌انگاری، هویت‌ها و هنجارهای متضاد ایران و عربستان، به ویژه هویت «انقلابی-شیعی ایران» و هویت «سنی-وهابی عربستان»، نقش کلیدی در شکل‌دهی به رقابت‌ها و تأثیرات آن‌ها بر وضعیت سیاسی و اجتماعی عراق دارند. این تضاد هویتی موجب می‌شود که ایران و عربستان هرکدام به‌طور جداگانه در تلاش برای نفوذ در عراق و سایر کشورهای منطقه باشند که منجر به رقابت‌های فزاینده‌ای در عرصه سیاسی و مذهبی می‌شود.

در مورد ایران، سیاست خارجی این کشور در عراق و سایر نقاط منطقه عمدتاً به دنبال تقویت هویت شیعی و گسترش نفوذ در میان گروه‌های شیعه است؛ در حالی که عربستان سعودی نیز در تلاش است تا هویت سنی و وهابی خود را به‌عنوان یک هویت رقیب در برابر ایران در عراق و دیگر کشورهای منطقه تقویت کند. این رقابت‌های هویتی در پیوند با منافع منطقه‌ای و قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده، موجب پیچیدگی‌هایی در روابط ایران با احزاب شیعه عراق می‌شود.

برای بهبود وضعیت و تقویت جایگاه ایران در عراق، اتخاذ راهکارهایی نظیر تقویت تعاملات فرهنگی و هویتی می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند. ایران می‌تواند با ایجاد فضاهایی برای گفت‌وگوهای فرهنگی و مذهبی در راستای تقویت روابط دوستانه و همگرایی میان گروه‌های شیعه مختلف در عراق گام بردارد. همچنین احترام به استقلال احزاب شیعه و کاهش دخالت‌های مستقیم در امور داخلی عراق می‌تواند به تقویت مشروعیت این احزاب و کاهش تنش‌ها کمک کند. این رویکرد نه تنها باعث تقویت جایگاه ایران در عراق می‌شود، بلکه می‌تواند به‌طور غیرمستقیم به بهبود وضعیت کلی امنیت و ثبات در منطقه منجر شود.

بر اساس نظریه سازه‌انگاری، راهکار مناسب برای مقابله با رقابت ایران و عربستان، تمرکز بر «ساخت و تقویت هویت‌ها و هنجارها» است. ایران می‌تواند با تقویت هویت‌های شیعی و ایجاد هنجارهای مبتنی بر همگرایی و احترام به تفاوت‌ها، نفوذ پایدار و مؤثری در عراق و سایر

کشورهای منطقه ایجاد کند. در این راستا، سازه‌انگاری تأکید دارد که هویت‌ها و هنجارها نه تنها رفتارهای کشورها را هدایت می‌کنند، بلکه می‌توانند شرایط جدیدی برای تعاملات بین‌المللی ایجاد کنند که در آن کشورهای مختلف به دنبال منافع مشترک و ایجاد روابط مبتنی بر احترام و همکاری هستند. این رویکرد می‌تواند به ایران کمک کند تا نفوذ خود را در عراق و منطقه گسترش دهد، بدون آن‌که با رقابت‌های فزاینده و تضادهای هویتی مواجه شود.

بنابراین، بهبود وضعیت سیاست خارجی ایران در عراق نیازمند تغییر در رویکردهای سیاست‌گذاری است که شامل تقویت هویت‌های مشترک، احترام به تنوع فرهنگی و مذهبی، و کاهش رقابت‌های فرقه‌ای و گسترش روابط اقتصادی می‌شود. این تغییرات می‌تواند به افزایش همگرایی داخلی میان گروه‌های شیعه و همچنین ایجاد بستری برای همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی کمک کند.

تقویت هویت شیعی و گفتمان همگرایی مذهبی: ایران می‌تواند با تمرکز بر مشترکات فرهنگی و مذهبی، هویت شیعی و همگرایی فرهنگی با عراق و سایر کشورهای دارای جمعیت شیعه را تقویت کند. این همگرایی، زمینه‌ای فراهم می‌کند که بدون استفاده از ابزارهای قدرت سخت، نفوذ معنوی و هنجاری ایران در منطقه پایدارتر شود.

ترویج هنجارهای منطقه‌ای مشترک: ایران می‌تواند از مفاهیم مشترک مذهبی و ارزش‌های فرهنگی برای ایجاد هنجارهای منطقه‌ای استفاده کند که کشورهای دیگر نیز آن‌ها را بپذیرند. این هنجارها می‌توانند شامل همگرایی در برابر نفوذ قدرت‌های خارجی و تأکید بر استقلال و خودمختاری منطقه‌ای باشند. با ترویج این هنجارها، ایران می‌تواند همکاری کشورهای منطقه، از جمله عراق را برای مقابله با نفوذ خارجی و ایجاد ثبات داخلی جذب کند.

ایجاد تعاملات فرهنگی و مذهبی پایدار: ایران می‌تواند با توسعه تعاملات فرهنگی از طریق دانشگاه‌ها، نهادهای دینی و برنامه‌های آموزشی و مذهبی، نفوذ هویتی خود را گسترش دهد. این راهکار باعث می‌شود که ایران به عنوان یک الگوی فرهنگی و مذهبی برای شیعیان منطقه شناخته شود و این امر می‌تواند به نفوذ ایران کمک کند.

تقویت تعاملات اقتصادی: یکی از راه کارهای تاثیرگذاری ایران بر جریان‌های سیاسی عراق به ویژه جریان‌های شیعه تقویت همکاری‌های اقتصادی در قالب گسترش روابط تجاری و سرمایه‌گذاری‌های مختلف در این کشور است. این روابط شامل تبادل انرژی (به ویژه برق و گاز) و سرمایه‌گذاری‌های مختلف ایران در زیرساخت‌های عراق است. این تعاملات اقتصادی باعث افزایش وابستگی و همگرایی اقتصادی بین دو کشور شده است.

وابستگی عراق به واردات از ایران: با توجه به اینکه عراق به شدت به واردات از ایران وابسته

است، سیاست‌های ایران در تقویت احزاب شیعه، این کشور را به سمت روابط اقتصادی نزدیک‌تر با ایران سوق داده است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش‌رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

Translated References to English

- Al-Maashiry, H. (2018). The Dynamics of Iran's Influence in Iraq. *Journal of Contemporary Middle Eastern Studies*, 5(2), 45-60.
- Al-Rashed, M. (2018). Saudi Policy Shift in Iraq: *From Isolation to Engagement*.
- Asgarkhani, A. M., & Moghaddam, J. M. (2010). CONFLICT AND COOPERATION IN IR: ALEXANDER WENDT'S CONSTRUCTIVIST THEORY. *POLITICAL QUARTERLY*, 40(3), 189-208. [In Persian]
- Gause, F. G. (2014). Beyond Sectarianism: The New Middle East Cold War. *Brookings Institution*.
- Haddad, F. (2016). Sectarianism in Iraq: Antagonistic Visions of Unity. *Oxford University Press*. [In Persian]
- Mabon, S. (2013). Saudi Arabia and Iran: Soft Power Rivalry in the Middle East. *I.B. Tauris*.
- Matthiesen, T. (2014). The Other Saudis: Shiism, Dissent and Sectarianism. *Cambridge University Press*.
- Middle East News (2021), Sadr: Al-Kadhimi's trip to Saudi Arabia and the UAE is a step in the right direction, July 24, online: <https://mdeast.news/2021/04/04/>
- Mojtahedi, Z. A., & EYVAZI, M. R. (2019). The Study of Constructivism Theory in the Field of Studying International Relations and its Necessity to Apply in the Foreign Policy Strategy of the Islamic Republic of Iran. *Strategic Quarterly Journal*, 27(4), 177-205. [In Persian]
- Muhammadnia, M. (2014). Generalist Constructivism: A Comprehensive Solution to Explain Iran's Behaviors in its Foreign Policy after the Islamic Revolution. *Journal of Islamic Revolution Studies*, 11(38), 65-84. [In Persian]
- Nasr, V. (2006). The Shia Revival: How Conflicts Within Islam Will Shape the Future. *W.W. Norton & Company*.
- Saree-e-Qalam, M. (2000). Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Tehran: *Strategic Research Center*. [In Persian]
- The Media Line (2024), Iraq attracts wave of Saudi and Gulf investments for the first time, 28 Feb, <https://themedialine.org/top-stories/iraq-attracts-wave-of-saudi-and-gulf-investments-for-the-first-time/>
- Torffing, J. (1999). New Theories of Discourse: Laclau, Mouffe and Žižek. *Blackwell Publishers*.
- Wendt, A. (1994), international state. *American Political Science Review* 88,no.2
- Wendt, A. (1992). Anarchy is What States Make of it: The Social Construction of Power Politics. *International Organization*, 46(2), 391-425.
- Wendt, A. (1999), Social Theory of International Politics. Cambridge: *Cambridge University Press*.